



چرا مواضع اعلامی عبدالحمید درباره جنایت دیروز با واقعیت‌های میدانی همخوانی ندارد؟

# رادیکالیسم زیر عبای مولوی



صادق امامی

دبیر گروه بین‌الملل

خیابان نهم دی شیراز... خورشید هنوز طلوع نکرده است. برای خیلی از آنها که در خیابان انتظار می‌کشند، ۲۵۶ روزی است که خورشید طلوع نکرده است. چهارم آبان ۱۴۰۱، تروریست مسلحی که وارد حرم شاهچراغ شد، برای همیشه نور را از زندگی خیلی از آنها گرفت. آن تروریست به هلاکت رسید. اما دو تروریست از ۲۶ تروریست دستگیر شده دیگر، دیروز پیش از طلوع خورشید به سزای عمل‌شان رسیدند و به دار آویخته شدند تا ایران یک‌بار دیگر نشان دهد بر سر امنیتش با کسی مماشادات نخواهد کرد. تروریست‌ها که از طناب دار آویزان شدند، کمی آن سوتر در سیستان و بلوچستان، همزادهای آنها یعنی تروریست‌های موسوم به «جیش العدل» دست به کار شدند تا به زعم خودشان ضرب‌سستی به جمهوری اسلامی نشان دهند. ساعت ۷:۱۵ صبح، ۴ تروریست عملیاتی را طراحی می‌کنند که زمان، مکان و بهانه حمله آن معنادار است. آنها ساعتی پس از اعدام عناصر وابسته به داعش، به کلاتری ۱۶ زاهدان حمله می‌کنند کمی بعد نیز در بیانیه‌ای بهانه این حمله را به حادته جمعه زاهدان که در آن چندین نفر کشته و زخمی شدند، نسبت می‌دهند. این ۴ تروریست قصد داشتند با پوشش ارباب رجوع وارد کلاتری ۱۶ زاهدان شوند اما سرباز نگهبان که در ورودی درب اصلی مقر قرار داشته، به هوشیاری مانع ورود این افراد به محوطه اصلی کلاتری می‌شود و همین هم باعث درگیری تروریست‌ها با مأموران انتظامی می‌شود. فارس به نقل از منبعی آگاه نوشته: «ابتدا تروریست‌ها با پرتاب مواد منفجره به در و داخل درباری به سمت کلاتری حمله می‌کنند. دو تروریست وارد محوطه می‌شوند و دو تروریست دیگر به سمت برجک نگهبانی کلاتری می‌روند. تروریست‌ها تجهیزات کامل اعم از مواد منفجره و تعداد قابل توجهی نارنجک به همراه داشتند و رفتارشان نشان می‌دهد کاملاً آموزش دیده بودند. زمانی که اولین تروریست کشته می‌شود مهاجم هم‌راش یک نارنجک آماده انفجار را زیر جسد قرار می‌دهد تا از نیروهای پلیس در جریان انتقال جنازه تروریست‌ها، تلفات بگیرد. آن گونه که سردار جلیلیان فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان گفته در ابتدای درگیری یک نفر از تروریست‌ها به هلاکت می‌رسد. سایر تروریست‌ها وارد برجک نگهبانی کلاتری می‌شوند و درگیری مسلحانه ادامه پیدا می‌کند. درگیری بین تروریست‌ها و پلیس تا ساعت ۹:۳۰ ادامه پیدا می‌کند. در جریان این درگیری هر ۴ تروریست به هلاکت می‌رسند و آنها ۴ قبضه سلاح جنگی، ۵ عدد نارنجک و چند جلیقه انتحاری کشف می‌شود. در این درگیری سرباز وظیفه مبین رشیدی و استواریکم کادر علی‌رضا کیخا به شهادت می‌رسند. ساعتی پس از این عملیات گروهک تروریستی جیش العدل این تروریست‌ها را اعضای «گردان استراتژیک فدائیان عدل الهی» خواند. هلاکت تمامی عوامل پیش از استفاده از تمام ابزارهای جنگی همچون نارنجک و جلیقه‌های انتحاری، به خوبی نشان می‌دهد توان گردان استراتژیک ۱ تروریست‌ها چه میزان است. اگرچه گروهک تروریستی موسوم به جیش العدل مسئولیت این عملیات را پذیرفته است اما طراحی احمقانه ناتوانی تروریست‌ها در پیاده‌سازی نقشه و لااقل استفاده از تجهیزات، این احتمال را نیز تقویت می‌کند که کسان دیگری در پس پرده این عملیات نقش آفرین بوده‌اند. چندان قابل قبول نیست پس از گذشت ۲۸۲ روز از حادثه جمعه ۸ مهر ۱۴۰۱ زاهدان، به یکبارہ این گروهک به فکر انتقامجویی بیفتد. فارغ از بیانیه این گروهک، باید به دنبال پاسخ این پرسش بود که تروریست‌های تکمیری سیاهی لشکر چه کسانی هستند؟ این عملیات قرار بود چه کس و کسانی را مجدداً احیا کند؟ ماه‌هاست که هر هفته پس از پایان نمازجمعه زاهدان، چند ویدئوی کوتاه و بسته، سر از شبکه‌های ضدایرانی درمی‌آورد تا بدین سان ادعا شود چراغ اعتراضات در ایران روشن است. این مراسم روئین، اما نه برای طراحان داخلی آن و نه برای تجزیه‌طلبان و تروریست‌های متصل به آن، آورده چندان ناآشنا و ندارد. در تروریسم امروز، نباید از جرم کسانی که گمان می‌کردند با رادیکالیسم نقش پرتنگی پیدا می‌کنند، گذشت. نگوئیم تروریسم از سوی برخی، چیزی شبیه به سیاه‌بازی است. اینکه بلندگوهای بی‌صدای رادیکالیسم افراد را تحریک کنند و با ظهور تروریسم، تروریسم را نگوئیم، چیزی جز سیاه‌بازی نیست. ایران ۱۴۰۲ با ایران ۱۳۸۲، فرسنگ‌ها در امنیت فاصله دارد. ایران ۱۴۰۲، مرزهای اقتدارش را تا صدها کیلومتر آنسوتر گسترش داده است و تهدیددار در همان نقطه، نابود می‌کند.

## دلایل کلان ایجاد التهابات در سیستان و بلوچستان

یکی از دلایل سوق دادن سیستان و بلوچستان به سمت رادیکالیسم و اقدامات تروریستی، جلوگیری از توسعه استان با هدف تداوم حیات جریان‌های تندروی ضددموکراتیک و تروریستی است. اقدام روز گذشته اگرچه گروهک تروریستی موسوم به «جیش العدل» برعهده گرفته است اما طراحی این عملیات آن هم در کنار مسجد مکی، تردیدها درباره اینکه این گروهک عامل آن بوده است یا ناچار شده مسئولیت آن را برعهده بگیرد، تشدید کرده است. به نظر می‌رسد طراحان این پروژه به دنبال اقدامی سریع در زمانی خاص بوده‌اند؛ موضوعی که نشان دهنده آمادگی عملیاتی آنها برای ایجاد ناامنی در کشور است. در ادامه به برخی از دلایل این عملیات تروریستی پرداخته شده است.

چندین ماه است که پس از نمازجمعه زاهدان، در مسیر بازگشت، ویدئوهایی ضبط شده و سر از رسانه‌های ضدایرانی درمی‌آورد. این نمایش محدود اما پرمایزتاب در رسانه‌ها، در داخل بازتابی نداشته و تبدیل به یک برنامه روتین در زاهدان شده است. طراحان حمله به کلاتری ۱۶، به دنبال زنده‌نگه داشتن ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ بودند. آنها قرار بود با حمله به کلاتری و تصرف این مکان، زمینه آشوب را فراهم کنند. پیوست رسانه‌های این عملیات نیز برعهده «عبدالغفار نقشبندی» بود. او بلافاصله پس از حمله، تروریست‌های جیش العدل را «فدائیان بلوچ» خواند و قصد داشت با تحریک مردم، آنها را به سمت محل درگیری بکشاند و بنزین بر التهابات بریزد. او از جوانان زاهدانی خواست که «گرداگرد مسجد حلقه بزنند، به‌طور حتم تحریک مردم به تجمع، زمینه‌رایی درگیری بیشتر فراهم می‌کند اما نه تروریست‌ها به مقصد رسیدند و نه آنچه نقشبندی می‌خواست، اتفاق افتاد.

اعدام دو عضو داعش که در حمله به حرم شاهچراغ دست داشتند، پیام اقتدار ایران در مواجهه با دشمنانش بود. این نمایش اقتدار می‌بایست با یک عملیات تروریستی به مخاطره کشیده می‌شد. طراحی آنی حمله به نیروی انتظامی در زاهدان نشان دهنده نوعی پیوستگی با اعدام اعضای داعش است که برای القای تداوم ناامنی صورت پذیرفته است.

جلوگیری از تبدیل شدن ایران به کشوری شبه‌قاره‌ای هدف تعدادی از قدرت‌های بین‌المللی غربی و دو بازیگر فعلی و اصلی شبه‌قاره هند (هند و پاکستان) است. تقویت سیستان و بلوچستان باعث می‌شود ایران به نوعی وارد مناسبات شبه‌قاره هند شود. همان گونه که تقویت افغانستان با توجه به ریشه‌های قومی‌اش در پاکستان و همگرایی مذهبی‌اش با کشمیر و برخی دیگر از نواحی مسلمان نشین هند می‌تواند به شبه‌قاره‌ای شدن آن بینجامد؛ چیزی که طی دهه‌های اخیر تاکنون رخ نداده است.

به همین دلیل هند و پاکستان به جهت رقابت همواره تلاش کرده‌اند به انحاء مختلف در افغانستان و نواحی شرقی ایران حضور یابند. هند تلاش کرده افغانستان را در برابر پاکستان تقویت کند تا موجب تجزیه این کشور شود و در مقابل اسلام‌آباد کوشیده با تقویت جناح‌های تندروی مذهبی افغانستان، التهابات در کشمیر را تشدید کند. با این حال دهلی‌نو و اسلام‌آباد برنامه‌هایی یکسان اما جداگانه را برای جلوگیری از شبه‌قاره‌ای شدن ایران و افغانستان انجام می‌دهند. هند می‌کوشد مسیر افغانستان را در درگیری با پاکستان ترسیم کند و اسلام‌آباد نیز با تریزیک ناامنی از تشکیل هرگونه دولت قدرتمند در این کشور جلوگیری می‌کند. با این حال در شرق ایران، انگیزه‌های پاکستان برای ایجاد ناسامانی بیشتر است. اسلام‌آباد در حوزه اقتصادی خواهان حفظ انحصار بندر گوادر است و قصد دارد از شبه‌قاره‌ای شدن ایران جلوگیری کرده و حتی الامکان به گونه‌ای تهران را درگیر بازی‌های حاشیه‌ای و فرسایشی منطقه شرق سازد تا ایران برای مدت‌ها از خیر سرمایه‌گذاری و توجه به این منطقه بگذرد.

حتی اگر عربستان سعودی به دلیل عادی‌سازی روابط با ایران از اسپانسرگری گروهک‌های تروریستی در این منطقه انصراف دهد، پاکستان به دلیل اولویتی که برای این منطقه قائل است، از آن نخواهد گذشت. در همین رابطه اخباری نیز درباره نقش برخی از نهادهای اطلاعاتی پاکستان در التهابات شرقی کشور و درگیری با مرزبانان وجود دارد.

ایجاد ناآرامی در مرزهای شرقی کشور توسط جناح‌هایی از طالبان که با غرب ارتباط یافته‌اند و حملات مداوم علیه نقاط استقرار نظامیان در سیستان و بلوچستان برای ایجاد تغییر و تحولات نظامی در این منطقه و مشغول‌سازی منابع مالی، فکری و تسلیحاتی کشور است؛ اقدامی که درخصوص التهاب آفرینی‌های الهام‌علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان نیز صادق است. غرب تلاش دارد به جای منابع توسعه‌ای، منابع نظامی و اطلاعاتی کشور به مناطق شرقی معطوف گشته و انجام اقدامات توسعه‌ای همواره به برقراری مجدد امنیت معطوف شود. آشکار است در صورت وجود ناامنی‌های دوره‌ای در یک منطقه امکان اقدامات توسعه‌ای بلندمدت در آن وجود ندارد.

## دلایل تاکتیکی برای ملت‌بند کردن استان

طراحان اتاق عملیات اغتشاشات ایران از انجام اقدام تروریستی اخیر در زاهدان به دنبال دستیابی به نتایجی در کوتاه‌مدت بوده‌اند که در ادامه تلاش شده به آن پرداخته شود.

حملات تروریستی باعث می‌شوند نیروهای نظامی در نقاط ناامن‌ساز متمرکز شده و مسائلی مانند مقابله با قاچاق و زورگوییان قومی محلی که در استان سیستان و بلوچستان فراوان هستند، از اولویت خارج شوند. این اقدام در کوتاه‌مدت می‌تواند به سرکشی بیشتر قاچاقچیان و زورگوییان محلی انجامیده و با کاهش سطح امنیت عمومی، فضا برای اقدامات خاص فراهم‌تر شود.

علی‌رغم تلاش‌های عبدالحمید، توده مردم به سمت درگیری مذهبی حرکت نکرده‌اند و این منازعه شکلی عمومی به خود نگرفته است. از این رو تلاش طراحان بر طراحی اقدامات ضدامنیتی توسط تروریست‌ها معطوف شده است تا درگیری‌های مذهبی مصداقی هرچند خاص بیابد.

اتاق عملیات اغتشاشات ایران که مرکز تدارکاتی خود را در سمت مرزهای غرب کشور در اقلیم کردستان عراق قرار داده بود، این مرکز را به دلیل ضربات موشکی و نظامی تهران از دست داده و سپس قدرت مانورش نیز به دلیل فشارهای ایران به دولت عراق و اقلیم محدود شد. با این حال طراحان با از دست رفتن

فرصت‌های موجود در اقلیم کردستان به دنبال استفاده از خاک پاکستان و افغانستان برای استمرار اقدامات تروریستی هستند. تامین اسلحه و تدارکات به مبالغ کلان‌سی نیاز دارد که بخشی از این هزینه‌ها از طریق قاچاق تامین می‌شود. تامین هزینه‌ها از قاچاق به معنای عدم تزریق مالی پروژه توسط سرویس‌های غربی نیست، بلکه سرویس‌های اطلاعاتی این پوشش را در قالب ارائه مبالغ کلان و مجوزهای اقامت به سردسته‌های اصلی انجام می‌دهند. برای افراد رده‌پایین‌ترین تامین مالی بیشتر از طریق درآمدهای حاصله از قاچاق صورت می‌پذیرد. این اقدام مزایای فراوانی نیز برای اتاق عملیات اغتشاشات دارد. تامین مالی از قاچاق می‌تواند ردپای سرویس‌های اطلاعاتی را کم‌رنگ سازد. همچنین کانال قاچاق، فارغ از تامین مالی برای انتقال تدارکات، تجهیزات و جذب نیرو نیز لازم است. گروه‌های تروریست مستقر در اقلیم کردستان از طریق مالیات‌گیری از کولبران و همچنین تروریست‌های مستقر در پاکستان و افغانستان از طریق قاچاق مواد مخدر به ایران و قاچاق سوخت از ایران به دو همسایه شرقی اترناق می‌کنند.

## تلاش برای احیای بازیگر اصلی

در میان رهبران رادیکالیسم تنها گزینه‌ای که ابعدادی چندگانه داشت، «عبدالحمید» بود به‌ویژه آنکه در داخل حضور دارد، امکان ایجاد تعرض مذهبی و قومی را به‌صورت همزمان داشته و به دلیل محترم شمردن جایگاه علمای دینی از سوی نظام، از آزادی عمل گسترده‌ای برخوردار است. برای اتاق عملیات، مواضع و شیوه‌زندگی عبدالحمید، چندان اهمیت ندارد؛ چرا که او قرار است به‌عنوان یک بازیگر، امنیت را تبدیل به ناامنی کند. از همین رو خطبه‌های او بازتاب خوبی در رسانه‌های ضدایرانی می‌یابد.

با از بین رفتن کانون‌های التهاب که شامل انتقال دفتر ایران‌اینترنشنال از انگلیس به آمریکا و حتی حمله به مقر منافقین در آلبانی شده است، درحال حاضر رادیکال‌ترین اقدامات در شرق ایران انجام می‌شود. طراحان با انجام اقدامات رادیکال‌تر به دنبال تغییر نقطه تمرکز از روی شخص عبدالحمید و تشکیلات مسجد مکی هستند.

اقدامات رادیکال توسط گروه‌های تروریستی می‌تواند به نوعی باعث بهبود وضعیت عبدالحمید شود. چیزی که پیش‌تر تلاش شده بود با حربه «سویاپ اطمینان» بودن بخشی از اپوزیسیون داخلی برای حفاظت از آنان در کشور مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بر این مبنای عده‌ای از اپوزیسیون در داخل و خارج موضوعی تندتر اتخاذ می‌کردند تا حکومت‌مبار جناح‌های ملایم‌تر را رها کرده و حتی به حمایت از آنان بپردازد.

امسکان مانور عبدالحمید به مرور با فاصله گرفتن از اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ کمتر شده است. ملت‌بند شدن فضا و شکل‌گیری زدوخورد می‌تواند تریبون اخلاقی پیشین را برای وی احیا کند تا علی‌رغم رد ظاهری اقدامات تروریستی، آنها را نتیجه اقدامات حکومت بداند!

بخشی از تلاش‌ها برای مزه‌مز کردن امکان عادی‌سازی مسائل پیرامون عبدالحمید است. این اقدام نیز جز با اعلام برائت وی از اقداماتش به صورت مؤثر میسر نیست؛ اقدامی که در صورت اعلام برائت از اقدامات اغتشاشگران می‌تواند ظرفیت‌های عبدالحمید را تخلیه ساخته و طرفدارانش را سردرگم سازد. طراحان به زعم خود به دنبال بررسی و کشف احتمالات درباره امکان عادی‌سازی مسائل مرتبط با عبدالحمید از طریق موضع‌گیری وی علیه هرگونه اقدام نامناسب هستند؛ اقدامی که در بیانیه روز گذشته امام جماعت مسجد مکی مشخص است.

با وجود تلاش‌های عبدالحمید برای دمیدن بر بحران، بحران‌های سیستان و بلوچستان فروکش کرده‌اند. اگر برخی علمای اهل سنت که در سال‌های قبل ترور شدند امروز بودند، در ناآرامی‌های سال گذشته به عبدالحمید اجازه نمی‌دادند مردم بلوچ با اهل سنت در تقابل با جمهوری اسلامی تعریف کنند. جنایت روز گذشته تروریست‌ها، حاصل رادیکالیسم عبدالحمید است. دبیر یازدهم علمای اهل سنت، او را بابت این رادیکالیسم که در واقع استان را به سمت امنیتی شدن پیش برده، نکوهش خواهند کرد. ایجاد سروصدا در استان و طراحی‌های تروریستی در سطح واقعه دیروز، بهانه‌ای است تا عبدالحمید بتواند با صدور بیانیه، از مسیر تاکجایی‌آبادی که در آن قرار دارد، بازگردد و بتواند ظرفیت وی در منازعات را تقویت کند. ظرفیت یافتن عبدالحمید از سوی اهل سنت و بلوچ‌ها از طریق اقدامات رسانه‌ای باعث می‌شود وی به زعم این دو گروه مشهور شود.

## هزینه هر تروریست ۱۵۰ میلیون تومان

میلیون تومان در بازار سیاه باید اسلحه بخریم. پول هنگفتی لازم است اگر بخواهید یک ارتش ۵۰۰ نفری درست کنید، مشخص نیست این ۱۵۰ میلیون، رقمی است که این عناصر تجزیه‌طلب برای سرویس‌های امنیتی غربی فاکتور می‌کنند و از این طریق نیز خودشان به نوابی می‌رسند یا اینکه واقعا تجهیز و تامین یک تروریست، چنین پرهزینه است. با احتساب این محاسبات، دیروز نیروهای امنیتی و انتظامی ایران ۶۰۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری را بر باد دادند. به این رقم باید ۴ سلاح، ۷ نارنجک و مواد موجود در ۴ جلیقه انتحاری را هم اضافه کرد.

در یک عملیات تروریستی، عنصر تروریستی تلاش می‌کند تا از همه ابزارهای موجود نهایت استفاده را ببرد. تروریست‌های زاهدان، جدا از جلیقه انتحاری‌ای که قرار بوده در آخرین مرحله مورد استفاده قرار گیرد، ۷ نارنجک نیز در اختیار داشته‌اند. سرعت عمل نیروهای انتظامی و امنیتی به اندازه‌ای بوده که این تروریست‌ها حتی نتوانستند از نارنجک‌هایشان نیز استفاده کنند. اخیراً یکی از عناصر تجزیه‌طلب و تروریست بلوچ در کلاب‌هاوس، رقم عجیبی را برای تجهیز یک تروریست برای اقدام در ایران مطرح کرده است. او گفته: «اخیراً برآورد کردیم برای یک «مزار» (جنگجویا چریک) حداقل ۱۵۰

